

مقبره شاه رُخ در کابل





کرده نمازم وادکار گشت و چند روزان منزل مستقر شد یک همایون بود  
 چون مادری و فایع ساپراما کرب پاری از نواریج وادکانرا ذکر کرده ایم در اینجمله  
 بهین اکتفا و اقتصار می نمایم وادکان تقریباً دو پست ذرع از طهران پست تراست  
 بعضی خواجهر نظام الملک وزیر ملک شاه سلجوقی را وادکان دانند  
 از وادکان که حرکت نمودند منزل چشمه کلال سب میباشد که حالاً معروف بچشمه  
 گل است راه شش فرسخ و از مغرب بمشرق ولی قدری بطرف جنوب مایل است  
 یک فرسخ از شهر وادکان گذشته النک وادکانست که شرح آن مذکور شد بعد از آن  
 در طرف جنوب شرقی وادکان در دو فرسخی این بلده چنار است و قلعه امیر آباد  
 رضا افغان زعفرانلو که حضرت نایب السلطنه مغفور عباس میرزا طاب ثراه  
 انرا خراب کرده در یکدانی چنار است و چنار انرا رودخانه است که سر چشمه آن  
 در سعید آباد است در کوه اخلداز کوه دولخانه در طرف جنوب غربی وادکان که  
 ملحوظ بگشود و در میشود و سر چشمه رود کشف رود از چمن کوباغ و حوالی انست فرا  
 و مزایعی که در دو طرف از رود دیده میشود بسیار است اینچه اقرب بجاده است  
 دست چپ فیس آباد و منغان و چه چه و علی آباد و قزل حصار و نهر آباد و خون او  
 و سپند آباد دست راست زینگر و شتر پاوشنخ کالو و مبل و گل خوانون و  
 خوشانه و نوروز آباد و صفی آباد و نومهن و کلانتر حاجی اسمعیل و درخت سنجد و  
 جو پائین و در خط راه قلعه رضا و در شتر پاوشنخ محقر است که سنک  
 سها بار یکی دارد بعضی اشعار فارسی در آن نوشته که اغلب کلمات محواسن  
 نارنج قبر سال نهصد و دو و مد فون خان بیگی باجان بیگی بوده است فی الحقیقه

از اینجا تا مشهد مقدس فترا و فلاح و مزراع بیکدیگر وصل است و نادر صفا بیت که  
اینطور آبادی دراز آمداد و اتصال یافته باشد

اما چشمه کلاس که در اصل چشمه گل سب بوده و بطول زمان تلفظ آن تغییر کرده و  
تحریف و تصحیف شده از توابع طوس است چنانکه صاحب برهان فاطع گوید چشمه  
گل سب بضم کاف فارسی و فتح لام و سکون سین بی نقطه و بای بجد چشمه البیت  
در خراسان از توابع طوس نیز صاحب برهان مینویسد نزد جردید و بهرام گور که  
از فطر ظلم و جور بزرگوارانیم معروف شده در کنار چشمه گل سب که از اعمال طوس  
میباشد آب بروی لگدی کوفت و بجان ضربت کشند شد

نگارنده گوید این واقع را ساپرمورخین نیز نگاشته و تصریح کرده اند که نزد جردانیم  
در طوس در کنار چشمه بلکاسی هلاک شد اما چشمه را با اسم دیگر خوانده و ازین  
بر می آید که پس از لگد خوردن نزد جردانیم <sup>چندین</sup> معروف و موسوم بگل سب  
شده حال معنی این کلمه چیست و مفروض است که یک از گل واسب و مناسبتی با واقع  
لگد خوردن نزد جردانیم باشد بانه معلوم نیست اینمحقق است گل سب هر زمان  
کلاس شده در هر حال آب این چشمه از زیر کوهی که در طرف شمال جلگه موسوم بهمین  
اسم خارج شده بطرف جنوب مایل مشرق جاری و بمشهد مقدس میرود باین معنی که  
بشد آبادی موسوم بچشمه کلاس و اسپراب میسازد بعد فتر فتر چنانکه این زمان  
کلانتر کلب عبدل خان و بعد از راه دروازه بالاچنان بان داخل شهر مشهد مقدس  
میشود و تقریباً از وسط شهر میگذرد در فتر فتر آبام نهری در پهلوئی چشمه  
گل سب حفر کرده و آب چشمه را بواسطه این نهر بطرف مغرب میرده اند گویند در زمان

خلفه نام و عیالی اب از نهر مزبور جریان یافته در سمت پائین بمصرف و عین  
 میرسد زیرا به نهر بلافاصله آثار خرابی قلعه و فترتی که حاتم داشتند مشاهده میشود  
 بالجمله بعد از آنکه اب از آب نرک مجرای غیر طبیعی خود را نموده و در راه طبیعی خود یعنی  
 بطرف جنوب شرقی جاری گردیده است نیزه و اینجا آثار نهر دیگری هست که  
 بواسطه از آب بشهر طوس میرفته گویند حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی علیه الرحمه را  
 قصد این بوده که بعد از دریافت صله شاهنامه از سلطان محمود غزنوی لایحه  
 از نواحی طوس بشهر اردو وقف عام نماید و اب پنجم را مناسب یافته پس از  
 خبیت چو رصه منظور عابد دختر حکیم ابوالقاسم شد باجری قصد پدر پروراخت  
 و اب چشمه انوقت از زپرسنگی خارج میشد و تقریباً سطح از بیست ذرع از سطح  
 اصغر حالیه پست تر بوده دختر حکیم بدستاری مهندسین وارد اب خربت  
 ابتدا اب چشمه را هیچ ذرع بالا آورده که اب بتواند محل منظور شود و بعد نهر  
 مذکور را حفر کرده اب را بطوس برده است بعد از خرابی شهر طوس اب بصحرای  
 بنرک و میان ولایت میرفته است

در نتیجه احوال فردوسی بعضی نوشته اند قصد حکیم رحمه الله علیه این بود که از عطیه  
 و صله شاهنامه بند محلی بیز اب طوس ببندد و چون از عطیه را بعد از فوت  
 فردوسی نزد خورشید آوردند بدان الثغانی نمود اما خواهرش گفت همیشه بر آدم  
 در دل داشت که بند اب طوس را ببندد حال این نفوذ را باید بدان مصرف رساند  
 و چنان کردند لکن از این که از بند بر کدام اب طوس بستند تصریح ننموده اند ظن  
 فوی آنکه هر اب باشد چه اب کشف رود که عمدتاً اب طوس است ظاهر آنجا ج

بچینز بندی نبوده است چیزی که محقق است جاری ساختن اب چشمه کلسب  
بشهادت مقدس میباشد که اینکار خیر و امیر علیشپرو وزیر صائب ندبیر سلطان  
حسین بابی که از اکابر و زو او امجد بز و کان عالم و مالک از مته معالی و هم بوده نموده  
و بواسطه این اثر بزرگ و سایر آثار خیریه نام نیک خود را در صفحات ابود و خلود درج و  
ثبت کرده است

صاحب ندکرة دولت شاهي در ضمن ذکر آثار کثیره امیر علیشپرو طبیب الله مضجعه گوید  
و عین اب چشمه چند وقت ناهمت عالی بر خیری گماشته که اب چشمه کلسب را که  
از مشایخ پیر عیون خراسانت و از منزهات جهان و در اعلی و کلاپت طوس واقع است  
بمشهد مقدس رضویه آورد و مجاوران و مفسمان مشهد مقدس را از جور و بی  
خلاص سازد و در اینکار مدد همت اهل الله شامل حال بن امیر کپراست چه این  
احسانیت که جباران و سلاطین در اینکار عاجزند و فریب دو فرسخ شرعیست  
منبع این اب که مجموع در نا هموار به او سنگها اب میباید آورد و اینچیز هر جمع خیرات  
شریف اش شرف دارد مشهد مقدس ازین جوی ریشک بهشت برین و غیرت  
نگارخانه چین خواهد شد انشاء الله **قال النبي عليه السلام فضل الأعمال**  
**بفضلها انهم**

اب چشمه کلسب در اغلب فصول ده سنک است و نادراکم وز باد میشود و از چشمه  
که جاری کرد و چون منظر منظر بان بندار پس از طی دو زده فرسخ راه بشهد  
مقدس رسد بالای چشمه کلاس بلافاصله وصل بکوه رو و جنوب آثار عمارت  
دیده میشود که پایه ها از سنک و اهک و بنا از خشت و گل و مندرس و منهدم و بنا

و کوشکی عالی بوده است عمیق بودن چشمه بواسطه اثر آثار سدایت که از قدیم بسنه  
 شده و بواسطه این سدا بر آرزو نهر مامون در بطرف مشرق با از نهر غریبه بسمت طوس  
 مبرده اند در این چشمه ماهی وجود دارد کوه مقابل چشمه گلستان که در طرف  
 جنوب چشمه واقع است دنباله کوه درویشانه میباشد و در اینجا معروف بکوه  
 نیشابور است اهالی چشمه گلستان کربیز که از طایفه زعفرانلو هستند و تقریباً  
 بی خانوار میباشد فلغز و کل خان در طرف جنوب چشمه گلستان بر روی تپه  
 مصنوعی واقع و موسوم بمهر آباد است و چهل خانوار سکن دارد و اراضی اینجاها  
 حاصل خیز و خربزه دهند و اثر خوب وافر بعمل میآید چشمه گلستان دو بیت در  
 از ظهر از سمت راست بادهائی که از بجنورد نامشده میوزد غالباً باد است که  
 از شمال غریبه میوزد و طوبیت دارد و احداث باران می نماید بادی که از سمت  
 قوچان بطرف چشمه گلستان میآید و در پر خراط راه باران میآورد و  
 بادی که از هرات میآید که متاز چشمه گلستان شهر مقدس شش فرسخ  
 راه است و هر تقریباً آبادی و فزار و مزارع بهم وصل میباشد و آنها که نزدیک  
 براه است دست راست شهر حصار و دست چپ پری آباد و فزل حصار و تخم  
 انجیر و گمانگران و مهر آباد و جغتو میباشد قدیمی از اینجا گذشتن خوابه شهر  
 طوس است و فزین با آثار شهر در طرف دست راست فزین کوچک سراسپاست  
 از سراسپا که گذشتند داخل شهر طوس میشوند و تقریباً از وسط آن میگذرند  
 شهر طوس که از بلاد معتبره خراسان و در کتب تواریخ و جغرافیه قدیم  
 ذکر آن باشد و اینک جزای آن بلقینست و از اینست که باره دور این شهر دور

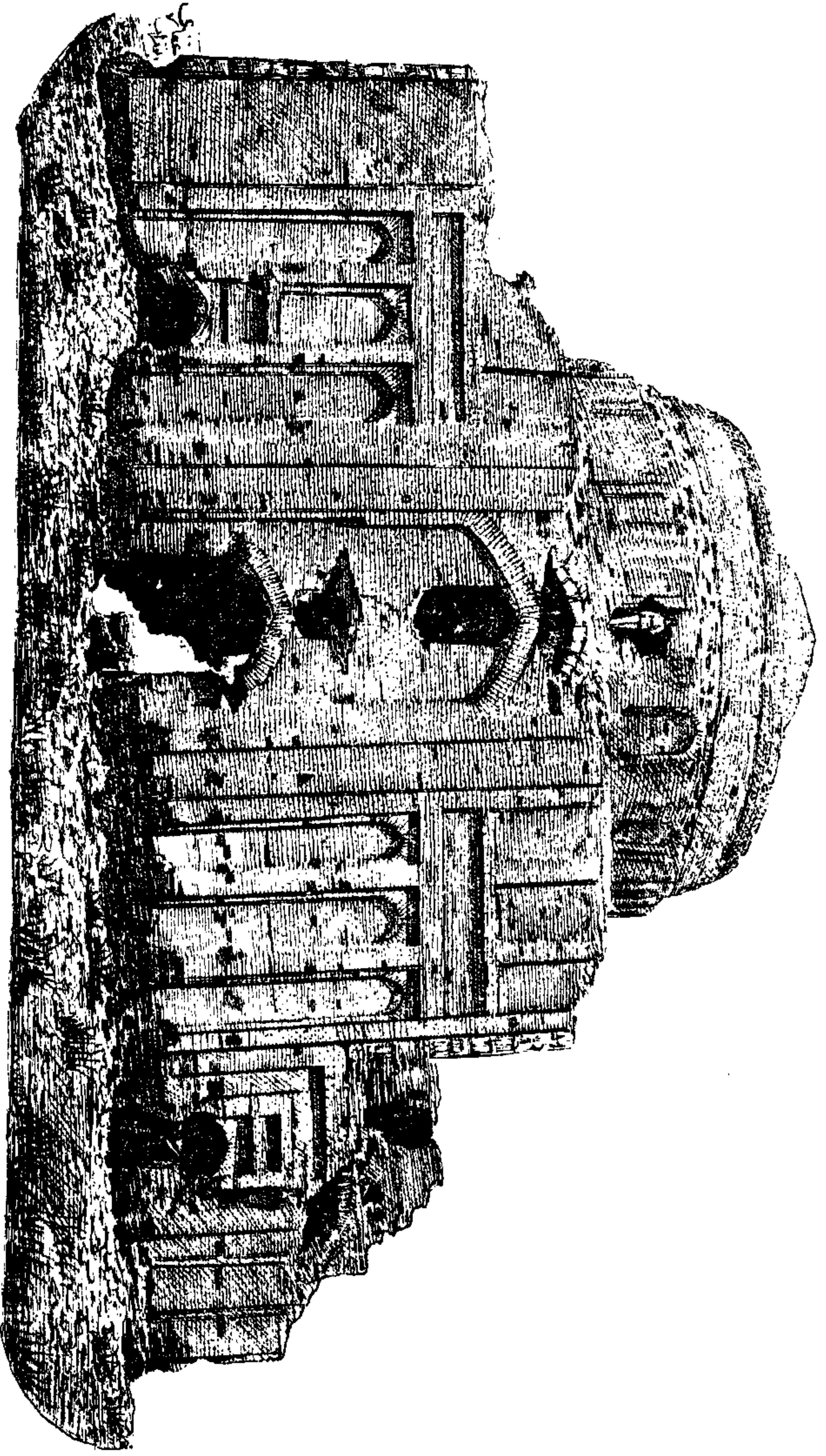


بعضی مواضع بدستی بر پاود و برخی اماکن از سرباره قدیمی خراب شده و در هر حال  
 نمودار است که حسن ارجحیاتی که کمال داشتند است چنانچه دیوار باره در پائین  
 پنجدرع بوده است و در شهر که این باره از ان غیر می نماید تقریباً یک فرسخت و  
 از آنجا که علام بر وجه بخوبی نمودار بلکه بعضی از آنها بحال خود مانده یکصد و شش برج  
 بر دیوار باره بشماره میباید و در نه محل می نماید که اینچادر و ازه بوده از این قدیمی و  
 زمان آبادی شهر طوس که بلای مانده عمارت و بنا نیست بفعرا مانند تقریباً در  
 وسط شهر واقع و از پائین مربع متساوی الاضلاع که از هر طرف دوازده ذرع است  
 ارتفاع دیوار عمارت ناز بر کنده هجده ذرع که از سطح زمین تا پنجدرع مربع و بعد از آن  
 مثنی میشود در چهار سمت چهار طاق است که با یک مقرر نشده و در هر طاق  
 تقریباً چهار ذرع میباشد و بالای این چهار طاق چهار طاق گوشوار مانند ساخته اند  
 و در زوایا بعباره اخرى بنمایند چهار طاق اخرى چهار طاق کوچکتر نیز بنا نموده اند و  
 چهار راه پله از چهار گوشه عمارت بچهار طاق زاویه است و از بالا راه دور می گردد  
 گنبد این بفعرا دو پوش بوده است و پوش بالایی خراب شده پوش زیرین تماماً بحالت  
 خود باقیست مدخل عمارت رو بجنوب و در مقابل مدخل در پشت طاق و گنبد  
 عمارتی سه قسمتی است و سقف طاق وسطی از بالا یک مقرر نشده اند و شش تا  
 بعمارات سر پوشیده معمول این زمان دارد یعنی در سقف مقرر نشد از هر طرف  
 در پیچ مانند روزنه بخارج گنبد و داخل آن قرار داده اند جنبه این عمارت وسطی  
 دو طاق مربع مسقف است که اطاق طرف مشرق شش ذرع و نیم ارتفاع دارد و تقریباً  
 عرض و طول آن چهار ذرع است در این اطاق صورت بحرانی دیده میشود و اطاق

دیوار  
 طرف شرقی باره  
 طوس و بروج از امر  
 کرده اند و با شش بروج  
 دیوارهای جهنم  
 دیگر در  
 کل  
 دارد

طرف مغرب سه ذرع در سه ذرع و سقف آن مدور و گنبد مانند بوده بار ثقل  
 پنج ذرع و حال ابکی خرابت پشت این عمارت سه قهنبی شکل محرابیت مقرنس  
 کج که از دو دست باشد و در چند محل از مقرنس بخط خوشی فیما بین نخ و ورق از کج  
 دو آورده اند (الذنیایا عله) و العجب که در یکی از کلاه خود های قدیم هم بخط طلا  
 کتیب شده است (الذنیایا عله فاجعلها طاعه) معلوم میشود در آن ایام در مصر  
 بزرگ دینا و عبادت و جهاد فی سبیل الله این عبارت مصطلح و شایع بوده است  
 خلاصه جز این عبارت در این عمارت خط و کاتبی یافت نمیشود و در عمارت و گنبد از  
 خارج نماست و طول بنا مرجع الجموع بیست و پنج ذرع و عرض هفده ذرع و آب و  
 در جلو مدخل است که دهانه آن ده ذرع میباشد و غیر از این مدخل که اصلی است  
 از سه طاق دیگر هم راه خروج و دخول ببقعه بوده است در زیر بقعه دو سنگ قبر  
 دیده میشود که هر دو و مجوفت و مسلم که از خارج با بر بقعه آورده اند یعنی قبور پیکه  
 این سنگها برای آنها ساخته و جاری شده در پیروز بقعه بوده و سنگها نصب نپسند  
 بر روی یکی علاوه بر ایند کرسی و صلاوة نوشته اند (هذا مقعد علی حضرت مکرّمه  
 مستور و هموش خانم زینت عالیجاه) و بقعه عبارت در طرف پائین سنگ بوده و  
 اکنون شکسته است در سنگ دیگر علاوه ناد علی نوشته شده است (هذا مقعد  
 عالیجاه سیکه بنات پنا معالی سیکه المرخو المغفوق) باقی عبارت در طرف مقعد  
 بوده که شکسته و جز لفظ (امپرسید) چیزی از آن مفهوم نمیشود در این عمارت که ظن  
 غالب اینست که محض بقعه ساخته شده و عمارت آن تمام نشده کاشی مطلقا بکار  
 نرفته و همین دلیل است که این بنا تا تمام است نه اینکه تمام شده و بعد منهدم گشته





صورتی که در شکر طومار در این تصویر

اشکال طاقهای عمارت تماماً مونیست در دور عمارت بفاصله دوازده ذرع  
اثر قلعه چهار برجی دیده میشود که بنای آن غیر عالی و باینکه دهقان شیب و از کل  
وسنک و اجر بوده است و مطلقاً تناسبی با اصل عمارت ندارد اغلب اوقات  
زاغهای بسیار بردور گنبد پرواز کرده و در هر طرف از نشسته و حالت آنها و خرابی

این شهر بخاطر میاورد و باغی منسوب بحکم عنخیا را که گویند

مر عنخ دیدم نشسته بر باره طوس در پیش نهاده کله کبک اوس

با کله همی گفت که افنوس افنوس کو بانک جرسها و چه شد ناله کوس

تمام سطح زمین این شهر حتی اماکنی که سالم است در آن زراعت میکنند مسنود  
در خورده اجراست و بعضی قطعات سنک و غیره بر روی آنها دیده میشود که الآن  
پل آن نهرها میباشد آثار قلعه را که در طرف شمال شهر نزدیک بیاباره دیده میشود  
که قلعه از تقریباً مربع متساوی الاضلاع است و هشتصد ذرع دور و از مبدا  
و خندق معتبری بعرض پانزده ذرع این قلعه را احاطه نموده است مدخل قلعه  
رو به غرب و در وسط قلعه بر روی تپه مصنوعی قلعه هشت برجی مربع مستطیل  
ساخته بوده اند و حالا نصف کترازد و در آن خرابیست و این دیوار اگر چه در ظاهر  
بنظر کله میاید اما پاره اجر و سنک در آن بسیار و بکار و فنراست طول این قلعه که  
در آن نبرج است هشتاد قدم و عرض پنجاه قدم و مدخل آن نیز رو به غرب است دور  
این قلعه از طرف احتمال و آثار خندق هست ولی در جلو مدخل بقینا حضره  
و خندق نبوده است در نزدیکی مدخل قلعه تارک تشریباد در زاویه چاهی است که  
دوره آن را با سنک بالا آورده اند و عمق آن حالا سه ذرع است قطر دهنه تقریباً

يك ذرع بوده ولى الان از بالا بيشتر است از قرار تقير پراهالى در نك اينچاه از سه طرف  
 سه صفر بوده اکنون چيزي ظاهر نديست قلعه ارك در وا زده برج دارد و بعضى از  
 بروج انرا خراب کرده اجر بسپارى زان برده اند و مبلغى لجر هم حالادى پاي بروج  
 رنجند و موجود است در جلو ارك جاوخان و سپهى بوده و در دوران نيز اثرا و خندا  
 ديده ميشود در داخله شهر طوس در وا بادی و منزرعه مي باشد که هر دو موسوم  
 بشهر طوس است و هر يك تقير پايست و پنج خانوار آبادى دارد و منزرعه نيز  
 در پهلوى باره با اسم اسلاميه مي باشد يکى طرف مشرق و يکى طرف مغرب و  
 از اين دو اسلاميه يکى را اسلاميه سادات گویند در حوالى شهر طوس نيز  
 بعضى مزارع هست با اسم سر باغان و سرا سپا و غيره و فزايى اين نواحى بجز  
 ميان ولايت است و برخى جزو گوارشک در وا زه شهر طوس که از ان بمشهر مقلد  
 مي روند و مجنوب شريف مي باشد از بن در وا زه که بر زمين پاييند در و یکصد  
 قدمى پلى است از اجر و اهک ساخته شده و اين پل داراى هشت چشمه و طاقت  
 و دهنته هر طاقى چهار ذرع و نيم و پايه طاقتها دو ذرع و یک چارک و نه بايه است و فيما  
 بين هر دو طاق در گاه دالان مانند است که براى نشستن عابرين بکار مي آيد  
 عرض ايندو گاهها يك متر و ارتفاع انها تقير پايه دو ذرع از سر طاقتها تا زمين و  
 کف رودخانه دو طاقتهاى وسط چهار ذرع و نيم و دو ذرع هم بالاى ان دپواره است  
 اين پل بروى رودخانه کشف رود بسته شده و سر چشمه رودخانه کشف رود  
 النك وادکاز است و تا پل خانون هفت فرسخى سرخس جريان يافته در انجا  
 ملخو بهرى رود ميشود و در ايرامتداد تقير پايه و هزار فرسخه و اسباب مي باشد

چهارین و دو خانه اگر چه در قباستان در انچه محل بیشتر از دو سنک اب بندار و اما بواسطه  
زهابه‌های بسیار که در مجرای انست همه جار و بغزالین آوردند در وازه طوس نه تنها  
که از دو خانه مذکور سوا شده و اراضی شهر را که حالا از باعتگاه است سپر اب  
می‌سازد

این بود حالت حالیه طوس اما وضع قدیم ان از مسطورات علمای جغرافی قدیم  
انچه بدست آمده بدنگاشته بعد بتحقیق امیر و صاحب معجم البلدان گوید طوس شهر است  
از خراسان از اقلیم چهارم طول از هشتاد و یک درجه و عرض سه و هفت درجه در  
فرسخه نیشابور واقع و مشتمل بر دو شهر است یکی طابران و دیگری نوفان و زباده  
از هزار فرسنگ و ابادی در خاک طوس است در عهد خلافت عثمان طوس مفتوح  
عساکر اسلام گردید قبر مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس  
همچنین قبر خلیفه هرون الرشید پسر مهدی مسعری بمهلهل گوید طوس  
عبارت از چهار شهر است که در شهران بالنسبه عظمتی دارد ابنیه معتبره  
در طوس در دولت اسلام ساخته شده و خانه حمید بن محطبه در طوس است و  
مساحت ان یک مایه و شصت و مشهد علی بن موسی الرضا سلام الله علیه و قبر  
هرون الرشید در باغی از باغات حمید بن محطبه است فمابین طوس و نیشابور  
کوشکیست عالی یاد پوارهای محکم بلند که در استحکام و علو نظر انرا ندیده ام در  
داخله ان کوشک مقدمه و زهاست که عقل در حسن انها چنان میماند و واقعا  
و طاقهای غریب و عجیب و گنجینه ها و خلوتخانه های متعدد در ازاها الی مملکت  
بانی ان بنا را جو باشد و استفسار نمودم همه می گفتند اینجا و ترا یکی از بنا بجه

وسلاطین جبر ساختن بر این معنی که آن پادشاه بقصد تخریب چین از زمین حرکت کرده و  
 در پنجاه اقامت نموده و این کوشاک را در اینجا بنا فرموده که حرم و اखाپر و زخا پر خود را  
 در آن گذارد و خود جریده و سببکار برود و در خانه در اینجا جاری کرده که بجز  
 ارباب نوزدهست پس از آن سفر خود را امتداد داده و بمقصد نایل گردید و در مراجعت  
 پاره<sup>۱</sup> رخسوفات خود را با خود برد و بعد قسمتی از آن زخا پر و پرگاهی در اینجا بوده و  
 قوافل و عابرین که در این مکان منزل می نمودند خبری از آن نداشتند چنانکه کوشاک  
 شرح سرداب و زبر زمینی که نفایس اموال خود را در آن پنهان و دفن کرده بود  
 نوشته و با خود برده و مطلب بجهول ماند تا این ایام که اسعد بن ابی نصر پادشاه  
 صاحب کمان برابر بر واقف شد مأمورین بدین ناحیه فرستاد جستجو کردند  
 و اینچنین یافتند پس برودند

جمعی که پسر از علما و فضلا و ائمه علوم طوسی بوده اند و من اقتصار می نمایم بذكر  
 چند تن که یکی از آنها امام ابو حامد صاحب مصنفات جليلة کثیره است و  
 کتب و تصانیف او در افطار عالم منتشر میباشد ابو حامد نزد ابو المعالی جوینی در  
 خوانده و در مدرسه نظامیه بغداد بعد از ابو اسحق ندیس نموده با آنکه ثروت و  
 مکنی بجمال داشت ترك دنیا گفته غلبت اختیار کرد ابتدا بیج شناخت و بی باحت  
 شام پرداخت و چندگاهی در بیت المقدس بماند گویند باسکنند و نیز آمده در  
 حوالی منار قانیته اقامت نمود بعد از مراجعت از اسکنند و نیز بطوس بحالت اغتراب  
 میرسیت فخر الملك وزیر نظام الملك از او درخواست کرد که در مدرسه کرده و  
 نیشابور ساختن مشغول شد پس شوا و مدتی انکار داشت تا فخر الملك با و اظهار



منو که شایسته و انصاف نیست که شما خلفه را از علوی که خالق و بیضا عطا فرموده  
محروم دارید و اینقبض را از مردم و مسلمانان دریغ نمائید پس از این گفته ابو حامد فوجی  
کرد و چند گاهی در مدرسه فخر الملک مدرس بود بعد از آن بطوس باز آمد و در  
خانه خود منزوی شد و پیر و پندار و چهاردهم جمادی الثانیه چهارصد و بیست و پنج در  
طبران در گذشت و در خارج آن مدفون آداب پوردهی اشعاری و در قای او

او گفته که بعضی از ان پناست

بکی علی حجه الایام حیدر شریک	من کانت عظیم القدر الشریک
تلك ان تریته یوم جلدیا	والظن بیه و الذمغ نیر فله
فاله خاله الزهد منکره	والله یستبده الخلق حیر فله
مضی عظیم و فقیه فحیت به	من انظیر الله الخلق یخلفه

یکی دیگر بنام محمد طغاج ابو عبد الرحمن الطوسی است صاحب مسند الکبیر حاکم  
ابن البیبع در حق او گفته که بنام بن محمد حدیثی موثق بود و کثیر الحدیث مدنی بسفر و  
سباحت اشغال داشتند و مؤلفات جلیده بسیار گذاشته من او را در نیشابور  
ملاقات کردم

اهالی خراسان بکنه طوس را گاو گویند و جهت را نمیدانند چیت و در و شمر مسطور  
در ذیل که در هجرت نظام الملک طوسی گفته شده اشعار بنی طلحه

لقد فتح الطوس بلاد غنیه	فصب علیها الله مقلوب بلادیه
هو الثغر فی الثغر و امه	و مقلوب الثغر من حلیته

نکارنده گوید و ابیت ضعیفی است که فخر ابجد بزرگوار و پیکان را عصار حکیم کامل چنان

خواجده نصیر الدین طوسی علی الرضی کتابی تصنیف کرده نزد مستعصم آخر بن خلیفه  
عباسی برد خلیفه از او پرسید از مردم کدام شهری گفت از طوس گفت از کاوه های  
طوسی یا از خرهای آن حکیم گفت از کاوه های طوس خلیفه گفت شاخهای تو کو  
حکیم گفت در خراسانست و مقصود هلاکوخان بود چنانکه حکیم آن پادشاه را  
بر انگیخت و بپاد خلافت عباس بن و ابر انداخت اگر اینچکایت راست باشد  
معلوم میشود که اینچ صاحب معجم البلدان گفته صحیح است و اهالی طوس را کا و  
میگفته اند و یکی از مورخین فنک نیز اشعار باین مطلب نموده و گوید اهالی طوس  
شالیند و سزاوار ابر لقب میباشدند چهره سم آنها بوده است که کنوان خود را با  
بیگانگان و غریبها محو ابر می نموده اند چنانکه حالاهم اهالی انصار نیز از فرای ما زانو  
بهمین عمل شایع مشغولند

حد الله مسنونی در نزهت القلوب گوید طوس از اقلیم چهارم است و جیشید  
پشیداری ترا ساخت بعد از خرابی طوس نو در نجد بد عمارت شرک کرد و بنام خود  
منسوب گردانید از مزار عظام ائمه امام معصوم مظلوم شهید مهوم امیر المؤمنین  
علیه بن موسی الرضا در دیره سنا باد پچهار فرسنگی طوس است و قبر هرون الرشید  
در پیرلستان معصوم است و از مشاهیر مزار ائمت و اکنون شهری شده در  
جانب مبنی طوس در وازه ایست که فرس سه هزار ابوبکر نام در اینجا است و در جانب  
شرقی قبر محمد غزالی و احمد غزالی و مزار فردوسی و معشوف طوسی هم اینجا است مردم  
طوس بنکوسپرت و پاک اعتقاد و غریب دوست باشند از میوه های اینجا انکور  
و اینچر بسیار و شیرین باشد در حوالی طوس مرغزار و ادکانت طولش دوازده

فرسنگ و عرض پنجاه فرسنگ از شاهپراگان جهانست  
 شریفی در پی در گاب نزهت المشاق فی خرق الاقواقه برای و ژباد شاه  
 سیسل (جزیره صقلیه) نوشته و قالیفان دور و ز اخر ماشوال سال پانصد  
 چهل و هشت هجری با تمام رسیده گوید طوس شهر بزرگ است بنای آن خوب و  
 جمعیت آن زیاد بازارهای متعدد دارد و هر چند در بازار آن یافت میشود اطراف  
 طوس شهرهای دیگر هست که از اینجمله راتکان و طبران و برد غور است اولی که  
 راتکان باشد شهر کوچکی است دارای بازار پر جمعیت که در آن تجارت رواجی دارد  
 و خرید و فروش زیاد میشود از شهرهای دیگر که در حوالی و نواحی طوس است  
 دو دان میباشد این شهر نیز پر جمعیت است و اقسام محصولات معتبره را دارد و  
 این آن عالی و کوچه های آن وسیع و بناها غالباً محکم است شهر دیگر مهرجان است  
 که خانه ها و بازارهای آن نهایت خوب و صرفیم محصول مفید که در جاهای دیگر  
 کم است در اینجا وجود دارد و در این شهر دیواری از گل ساخته اند و در بیرون  
 از این دیوار نیز محلات پر جمعیت هست آب خوردن این شهر را از خارج میاورند  
 و نواده نیز شهر آباد است و در آن دیواری کشیده اند و خارج از دیوار محلات و  
 غالب بیوانات از گل و بچصص میباشد آب خوردن اهالی از چاه است از نواده  
 نامهرجان دور و راه میباشد موقان یکی از شهرهای طوس و بواسطه بازار و بکه  
 دارد خیلی معتبر است دیوار و قلعه آنرا با گل ساخته اند آبادی موقان زیاد و تجارت  
 و صناعت رواج کلی است ارك معتبری دارد فیرمطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام  
 در اینجا است در کوهستان موقان معدن سنگ است که از آن دیک میسازند و بتمام

خراسان میبرند معادن نقره و مس و آهن نیز در کوهستان مزبور هست بعلاوه  
معدن فیروزه و یک قسم زمردی که معروف به دهنج است و بلور معدنی  
دوموفان در زمان طاهر پیرای تخت خراسان بود بعد از آن طایفه نیشابو فاعله  
و دارالملک خراسان کردید و عظمت موفان را مضمحل ساخت

ابوالفدا نقل از ابن حوقل کرده گوید قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام در ریه  
فرسخی طوس است و قبر هرون الرشید در فریه میباشد موسوم بسنا باد و طوس  
دارالاماره خراسان بوده بعد نیشابور دارالاماره گردیده و در جای دیگر گویند  
طوس اسم ناحیه است و ان از ایالت خراسانست در باب گوید طوس بلاد است  
بخراسان مشتمل بر دوشهر طابران و نوفان و زیاده از هزار فرسخ منعلق باین دوشهر است  
هم در این کتاب گوید طوس نیز فریه است بخارا

مکر است  
ابن حوقل  
گفته باشد  
چهار فرسخ  
کتاب راجع  
باشد

در لغت طابران ابوالفدا نقل از باب کرده گوید طابران یکی از دوشهر طوس است  
یا قوت جوی در مشترک مینویسد طوس ایالتی است و قصبه آن طابران و نوفانست  
و زیاده از هزار دهکده نعلق باین ایالت دارد و شایسته است اسم طابران و طوس  
ذکر شود در غزنی مسطور است که طوس ناحیه وسیع بزرگ است و دوشهر آن  
طابران و نوفانست و مسافت مابین این دوشهرشش فرسخ میباشد و این دوشهر  
از سایر بلاد خراسان بزرگتر است

این  
خود به بلوک  
جایست و خراج  
طوس ففصل  
مزار و مشند  
و نعت  
است

فاخری شمس الدین محمد بن بطوطه طنجی در سفرنامه خود موسوم به تحفه النظائر  
میکوید انگاه از جام بشهر طوس رفتن و ان از بلاد کبیره خراسانست شهر امام  
مشهور ابو حامد غزالی رضی الله عنه که مزار وی نیز در اینجا میباشد و از شهر

طوس بشهر شهد علی بن موسی الرضا علیه السلام رفت  
 میرزا حسن ز نوزی در ریاض الجنه گوید طوس را جشید پیشدادی ساخت و  
 بعد از خرابی طوس بن نوزی تجدید عمارت کرد و بنام خود خواند قبر منور  
 امام الجنه والاشر علی بن موسی الرضا علیه السلام در ده سنا باد چهار فرسنگی طوس است  
 لله الحمد از برکت قبر منور اینحضرت از اعظم بلاد خراسانست و شهر طوس منسوخ  
 بلکه مندوس و مطوس گردیده است و قبر هرون الرشید در شهدا منحضرت  
 در پشت سر اینجناب و در جانب جنوب طوس دروازه ایست که فرسدهزار و بیست  
 در هزارت اندر و از هاست و در جانب شرقی هزار حجه که اسلام محمد غزالی واحد غزالی  
 و منار فردوسی و معشوق طوسی است گویند مردم طوس نیکو سپرت و غیر بد و  
 و در حوالی مرغزار ایست و اتکان نام بطول دوازده فرسنگ و بعضی پنجاه فرسنگ  
 از شاه پر جهانست و طوس از شهرهای قدیم خراسانست و نواع بسیار دارد  
 انواع اشما و انجا باشد کان فیروزه در کوه طوس و نیشابور است و ظرف سنگی بجهت  
 روی دنیا از کوه طوس برند و احادیث مدح السنک وارد است و از مشاهیر اینجا  
 حکیم فردوسی است و مال وافر یکی که سلطان محمود بن فردوسی در صله شاهنامه  
 داد وقتی رسید که فردوسی وفات یافت با فخر بود در خیزی داشت آن مال قبول نکرد  
 سلطان فرمود تا بان مال ثواب روح فردوسی در راه طوس و سرخس ریاضی ساختند  
 نزدیک چاه و انوار باط چاه خوانند از ریاض سنک است تا انجا پنجاه سنکست  
 سر راه سرخس و انچال در عسره و اربعانه بود و دیگر از مشاهیر اینجا حسن بن علی بن  
 استخوانست که لقب او نظام الملك است و او وزیر سلاطین آل سلجوق بود و مسجد جامع

ابو  
 العباس الخزاز  
 بن احمد الدمشقی شهر  
 معروف در اخبار الذی  
 ظاهر الاصل گوید طوس  
 شهر مشهور است  
 دارای منی و نبات  
 در کوهها از منقذ  
 هست بعضی  
 خداوند تعالی سنک  
 برای مالی طوس زم  
 کرده چنانکه کهن و  
 حضرت داود بنابر این  
 از سنک و کاه اولان  
 و دیگر می آوند  
 قهر من  
 الرشید  
 طوس است  
 حاکم  
 عجب الحاقه  
 گوید از عجب حوا  
 طوس غاریت بشکل  
 عظمی از دهنه طارک  
 ناریکین گذشتند  
 بغارت فالار مانند  
 می رسند که هر طبقه  
 و خیمه ای از آن می شود  
 هر چه در آن خیمه  
 خیمه می شود بعد از آن  
 را در منقذ مانند  
 با دریا دستگرد می شود  
 و بدین واسطه می تواند  
 داخل آن شوند  
 و معلوم کنند  
 که این  
 میشود

طوس از عمارات اوست و مسجد جامع نوافران نیز او ساخته و اول کسی که بنای مسجد  
ساختن گذاشت و این سنت حسنه نهاد اوست و دیگر از مشاهیر طوس امام محمد  
غزالی است و دیگر از مشاهیر اینجاشیخ طوسی رحمه الله است صاحب تهذیب و استبصار  
و غیره و دیگر سلطان الحکام خواجه نصیر الدین محمد است

جنت اب و خاک بقعه طوس	که شد او امگاه اهل هنر
معدوم منبع حقیقت و فضل	مربع و مربع صفا و نظر
اب و چون سپهر مهر نماه	خاک او چو ز صدف گهر پیروز
هر بزرگی که بود اندر طوس	آمدست از جهان بنان برتر
همچو غزالی و نظام الملک	همچو فردوسی و ابو جعفر
و ندرین روزگار خواجه نصیر	اعلم عصر و مقتدای بشر
که افاضل و مبدا فطرت	تا با گون چو او نخواست دگر
اینچنین بقعه با چنین فضلا	سزدار بر فلک فرزند سر

در مدح از بقعه متبرکه مفاد حدیث **جبل طوس من فضله من فضله الجنة کافی و...**  
و احادیث در مدح این ملک بسیار است

کاتب چلبی در کتاب جهان نما گوید طوس ناحیه ایست دارای چند قصبه و در نورد  
یک درجه طول و درسی و شش درجه عرض واقع و قصبه که دارالملک طوس است  
طبر از منامند قصبه دیگران نوافران است که فیما بین این هر دو قصبه شش فرسخ است  
یکی از وازده امام که علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد در سال دو بیت سه  
هجری در طوس وفات کرده آنحضرت در فریبه سنا باد من نواب طوس مدفون

گردید بعد فترت مذکورہ معروف بمشہد گشت بعد ازان صاحبان مکت واریت  
 ثروت و ریاست در فواجی مرقد مطهر علی بن موسی الرضا سلام الله علیہ برائے  
 خود مراقد و مقابر ساختند و باینکہ مکلف و عالی مرتبت و اواسنہ نمودند لهذا فصبہ  
 معبری شد علی الخصوص در زمان پادشاهان عجم یعنی سلاطین صفویہ انوار الله  
 برہانہم مرقد مبارک مذکور از حیثیت زینت بہر نبتہ رسید کہ فنادیل و شمعدانہاے  
 سیم و زرد در آن روشن کردند و ازان تاریخ اسم طوس فراموش گردید و باسم مشہد  
 معروف شد

نیز کتاب چلبی کوید بنا بر مسطورات سمعانی طوس ناحیہ ایت ہزار عدد قبرہا  
 مشتمل در زمان عثمان بن عفان در سال <sup>۲۹</sup> بیت و نہ ہجری پن ناحیہ مضموح  
 گردید قبر ہرون الرشید در طوس است در طوس یک نوع سنک سفید یافت میشود  
 کہ ازان او از ملیا زند معادن برآم و فروزہ و دہنج (طخیت) در نوافاز است  
 در سال ہزار و ہشتصد و بیست و یک عیسوی کہ تقریباً شصت و پنج سال  
 قبل باشد کہ جوگن از جانب کپاز ہندوستان مامور شدہ باہران آمد و مسپو فرزند  
 کہ با او ہمراہ بود سفری بنجراسان رفت و شرح مسافرت خود داد و کتابی انکلیسے بطبع  
 رساند شرح مسطور در ذیل داد و باب طوس مینگارد

روز بیست و سہم ماہ فورہ بہ طرف طوس رفت کہ خزائن این شہر را تماشا و بازدید کنم  
 طوس تقریباً در ہفدہ میل مشہد مقدس و در سمت شمال شرقی آن واقع  
 شد در ساحل مشرقی رودخانہ کوچکی کہ شعبہ عمدہ ایت از شعب رودخانہ  
 مشہد و در این فصل بواسطہ برف زیادہ کہ در اطراف باریدہ ابان زیاد است

از این راه که می‌رفتیم تا طوس در بین راه از مزارع آباد گذشته و اراضی اینجاها حاصلخیز است  
 و این رودخانه کوچک در زمین بی‌بهار پر قوت که خاک سیاه رنگ دارد جاریست  
 از قریه خوشمهدی که در وسط راه است عبور نمودیم بعضی قرا و دیگر نیز در  
 کار و حوالی جاده دیده شد که همه آباد بودند اما شهر طوس دیوارهای آن در نهایت  
 خوبی مرتبیت و شهر در محوطه واقع شده که در دامنه دره شریفی میباشد و پناهگاه  
 شهر از گل ساخته شده بابر و جی که با هم فاصله دارد (بنابر سبک بنائی معمول  
 در ایران) تمام دیوارها خراب است و با وجود خرابی باز نمایان و پدیدار میباشد  
 این دیوارها بک شکل مربعی که محط آن سه ایچهار میلست تشکیل داده و  
 بنظر نمی‌آید که این شهر در قدیم آبادی عظیمی داشته باشد و از این قرائن حوالی  
 جلگه وسط شهر را از و اعانت میکنند و گندم وجود در جای بی‌وفات قدیم در جلگه  
 می‌آوردند در این اراضی مصالح کهنه از اجزای غیره دیده میشود و در اینجا  
 اهمیت داشت و جلب نظر وقت مرام نمود اعظم آنها بنای مرتبیت که از اجزای  
 شده و بالای آن گنبدی است این بنا تقریباً در وسط محوطه و بسیار بلند و با عظمت است  
 و شبیه مقابر سلاطین پانان که در حوالی دهلی هند و سنانست میباشد خاک  
 گنبد هم رو خوابیده اما داخله آن در نهایت خوبی مانده در هر طرف این بنا سوراخ  
 بوده اما برای چهره و قشایر سوراخها را فرار داده اند معلوم نیست در یک طرف  
 از درها و مدخلهای گنبد فقط قبری دیده میشود و بر روی سنگ این قبر خطوط  
 محکوم شده که هیچ خواننده نمیشود مگر کلمه (الله اعلم) و ایندایلیست که صاحب  
 قبور سندان بوده قدوی دور از این بناست قبر دیگر هست که بقینا از اجزای



دیگر با پنجل آورده اند من نتوانستم اطلاع درستی از این قبر حاصل نمایم زیرا عقود  
 از اهالی این نواحی گفتند در اینجاها چند شهرت دارد که یکی از ایندوقبر از شاهزاده  
 محروق است دیگری از بوق اسود شاهزاده محروق مامزاده شهید بوده و محروق  
 بمعنی سوخته شده است اگر این خبر یعنی این شهرت مقروزیست باشد این قبر  
 مضجع یکی از اعظم عرب میباشد که در مبادی اسلام مالک خراسان بوده است  
 و پس از وفات در اینجا دفن شد اما بوق اسود هیچ ندانستم که کجاست این خبر درین نواحی  
 معروف و مشهور است اینست که این شخص غلام سپاهی بوده از پیروان و معتقدین  
 حضرت عیسی علیه السلام که بعد از مصلوب شدن آنحضرت فرار کرده و با اینجا  
 آمده و در گذر و مدفن او کشته است و اهالی کمال احترام نسبت با او منظور  
 داشتند از یاد بر این چیزی نتوانستم بفهمم

در حواله کنید منور بقیه مناری دیدم میشود که بنائی عالی دارد اینچه از آن باقی  
 مانده بارقنای پانزده الی بیست پامی باشد و آثار و علامتی در آن نیست که بتوان  
 معلوم کرد که در چه زمان بنا شده و نزدیک مدخل کنید بزرگ کنید بسپار  
 کوچک دیگر است که روی کنید و کاشی کرده اند اما از بس کوچک است ابتدا بنظر  
 نمی آید که مقبره شخص ذیشانی باشد بلکه گمان میکنند که اطاق و پورق از خانه ها  
 اطراف بوده پس از تحقیق دانستیم که مقبره قدوسی شاعر معروف است و بعد از  
 بدر فزاری سلطان محمود باقدوسی و در اینجا عزت اختیار کرده بمردیک برج  
 کوچک بجوی که بقیه مناره از منارهای اطراف درهای مدخل بنای بزرگ  
 باشد معین میگردد که در باصلی گجا بوده و معلوم میشود که مدخل حقیقی در کنار